

انسان‌شناسی قرآنی

مهدی فیض
نویده خلعتبری

پیش از این، چند ویژگی اختصاصی انسان، ناشی از کیفیت خلق و آفرینش وی را معرفی کردیم. انسان به منزله حی متألّه، دارای کرامت، وجدان، حیات سه‌گانه، امانت و بیه، میل به کمال مطلق و دارای مؤلفه‌های چهارگانه وجودی است. به لطف خدا در این شماره، ویژگی‌های دیگری از فطرت انسان را معرفی می‌نماییم: هبوط انسان.

حکمت بیستم انسان، از مقام علیا،

خداوند آبادانی سرای آخرت را، برای همه انسان‌ها، هدف غایی قرار داده است، پس انسان خداگونه نیز، به دنبال تأمین آخرت همگان در بالاترین درجه ممکن است. همان‌طور که خدا آخرت را برای خودش دنبال نمی‌کند، انسان تقرب یافته نیز آخرت را برای خودش دنبال نمی‌کند، بلکه برای دیگران می‌خواهد. چنین انسان رشیدی، چون سعادت آخرت را برای همگان دنبال می‌کند، دچار خودخواهی نمی‌شود. باید دانست که، بنابر تعبیر امام خمینی (ره)، «خودخواهی با خداخواهی جمع نمی‌شود». حال باید دید انسان‌هایی که خود را در این درجه قرار نمی‌دهند، چه انگیزه و نیتی را می‌یابند. آیه زیر به ما می‌گوید که خداوند به انسان، بهترین نظام و ساختمان وجودی را بخشید و پس از آن، همه انسان‌ها را در دنیا (اسفل السافلین) قرار داد. حضور انسان در دنیا به معنی این است که خدا او را در پایین‌ترین درجه عالم قرار داده است تا حرکت کند و خودش بالاترین درجه ممکن را برای خویشتن در عالم مهیا نماید: ما انسان را در نیکوترین نظم و اعتدال و ارزش آفریدیم. (۴) آن‌گاه او را به پست‌ترین درجه عالم بازگردانیدیم. (۵) مگر آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، پس آنان را پاداشی بی‌منت و همیشگی است. (تین: آیه ۶)

حال باید دانست که حتی انسان تقرب یافته، با آن مرتبه از نیت (خواستن سعادت ابدی برای همگان)، ممکن است دچار هبوط شود و امیال او نیز به همراه خودش، هبوط پیدا کنند. در واقع داستان هبوط آدم و حوا، داستان همه انسان‌ها و خطای او نیز، خطای

انسان، از مقام علیا، به عالم دنیا هبوط کرده است گفته شد که مؤلفه‌های چهارگانه در وجود انسان، زمینه بالا رفتن یا پایین آمدن درجه انسانی هر کس را فراهم می‌کند. این چهار مؤلفه (نیت، باور، خلق و عمل) برای انسان «تقرب یافته» و «خلیفه‌الله» در سطح بالایی در قرآن قابل شناسایی هستند. در اینجا انسان تقرب یافته به معنای انسان خداگونه شده است. حال پرسش اینجاست که نیت یک انسان خداگونه چیست؟ که باید گفت: انسان خداگونه همان چیزی را دنبال می‌کند که خداوند، در عالم هستی، می‌خواهد. باز باید پرسید: خداوند در عالم هستی برای انسان‌ها چه می‌خواهد و چه چیزی را دنبال می‌کند؟ آیه‌های زیر راهگشای پاسخ به این پرسش است:

شما [انسان‌ها اکثراً] پیامدهای زندگی دنیا را دنبال می‌کنید، در حالی که خداوند آخرت را [که سرچشمه حیات] است، هدف قرار داده است و آن را دنبال می‌کند. (انفال: آیه ۶۷)

[شما مسلمانان و دیگر انسان‌ها] آیا به کالای زندگی دنیایی به جای آخرت [و سرچشمه حیات] دل خوش شده‌اید؟ در حالی که کالای زندگی دنیا در برابر آخرت جز کالایی اندک نیست. (توبه: آیه ۳۸)

اگر [به حیات آخرتی و سرچشمه حیات] کافر شوید [زیانی به خدا نمی‌رسانید؛ زیرا] خدا از شما بی‌نیاز است، ولی کفر را برای **بندگان**ش نمی‌پسندد؛ و اگر سپاس‌گزاری کنید آن را برای شما می‌پسندد. (زمر: آیه ۷)

همه انسان‌هاست و نه خطای شخصی آن دو. به تعبیر علامه طباطبایی، آدم نماد همه مردان و حوا نماد همه زنان عالم است و خطای آن دو، همان خطای عمومی انسان‌هاست که ریشه در نیت و مقصد آن‌ها دارد و همین امر سبب هبوط آن‌ها به دنیا شده است.

پس شیطان، هر دو را از [طریق] آن درخت لغزاید و آنان را از آنچه در آن بودند [مرتبه معنوی و بهشت موقتی‌شان] بیرون کرد. و ما گفتیم: [ای آدم و حوا و فرزندان آنان و ای ابلیس!] در حالی که دشمن یکدیگرید، فرود آیید و برای شما در زمین، قرارگاهی [برای زندگی] و تا مدتی معین، وسیله بهره‌وری اندکی مهیا خواهد بود. (۳۶) پس آدم کلماتی را از سوی پروردگارش دریافت کرد و [پروردگار] توبه‌اش را پذیرفت؛ زیرا او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. (بقره: آیه ۳۷)

تنها عده‌ای از اولیای الهی‌اند که این خطا از ایشان سر نزده است. آن بلندهمتان نیز، همچون سایر آدمیان، به دنیا که پست‌ترین عوالم است آمده‌اند، اما وجود خود را آلوده به آن خطایی که دیگران مرتکب شده‌اند، نکرده‌اند، بلکه و در راه نجات و رضوان الهی

حرکت کرده و به قرب حق رسیده‌اند؛ همان دنیایی که باطن و حقیقت آن، جهنم سوزان است. آیه زیر انسان‌های هبوط یافته را به پیروی از این بزرگواران دعوت می‌کند و عاقبت نیک پیروی از آن‌ها را «بشارت»، و پیامد چشم‌پوشی از این هدایت را «بیم» می‌دهد:

گفتیم: همگی از آن [مرتبه و مقام] فرود آیید؛ پس چنانچه از سوی من هدایتی برای شما آمد، کسانی که از هدایتم پیروی کنند نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین شوند. (۳۸) و کسانی که کافر شوند و [و حقیقت را بپوشانند] آیات ما را تکذیب کرده، اهل آتشند و در آن جاودانه خواهند بود. (بقره: آیه ۳۹)

بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان گفت هبوط شامل همه انسان‌ها است و آیات زیر همگی به این واقعه (یعنی حضور انسان در دنیا که باطن آن جهنم است) اشاره دارند: (مریم: آیه ۴، ۵، ۶، ۷۲)

در ادامه، مسیر هبوط انسان و انگیزه‌های تنزل یافته وی و پیامدهای آن را دنبال می‌کنیم. لازم به تأکید است مدلی که در ادامه معرفی می‌شود استنباط ما از آیات قرآن کریم است و از جایی به وام نگرفته‌ایم.

حکمت بیست و یکم

مراتب هبوط انسان‌ها

مسیر هبوط انسان‌ها مراتبی از نیت‌های وی را شامل می‌شود. این هبوط می‌تواند از مرتبه «میل به خداگونه‌شدن» تا مرتبه نازل «میل به لذت دنیایی» باشد. وقتی قرآن کریم می‌فرماید «ای انسان‌ها هبوط کنید»، منظور این نیست که از یک جایگاهی به جایگاه دیگری بروید و کار تمام شود، بلکه منظورش

این است که این انسان دچار افت می‌شود. این افت را می‌توان در آیات متعدد مشاهده کرد و از این طریق به مراتب نیت، انگیزه و میل انسان‌ها پی برد و مسیر هبوط او را به‌دست آورد. در ادامه، این مراتب به همراه آیات مربوط به آن معرفی می‌شوند.

نقطه صفر

میل به خداگونه‌شدن

اولین جایگاهی که انسان در آن قرار داشت، دارای میل به خداگونه‌شدن بود که در آیات زیر معرفی می‌شوند:

بگو: اگر چنین هستید که خدا را دوست می‌دارید [و البته که این‌گونه هستید و با این حب آفریده شده‌اید] پس مرا [پیامبر را] پیروی کنید تا خداوند نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامزد؛ که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (آل عمران: آیه ۳۱)

آیه فوق می‌فرماید در ذات انسان این «حب» نهفته است. حب به هر چیز به‌معنای میل به همگون

شدن با آن است. حب انسان به خدا، به‌معنای میل به همگونی با خدا و میل به خداگونه‌شدن است. همچنین حب خدا به انسان به‌معنای این است که خداوند کاری کند که انسان همگون او شود. (در واقع حب خدا از جنس اراده و فعل اوست.) بنابراین می‌توانیم معنای عمیق‌تری از آیه را دریافت کنیم: «اگر چنین هستید که میل به خداگونه‌شدن دارید، [که البته این‌گونه هستید و همین‌طور آفریده شده‌اید] بپایید از من، یعنی پیامبر، پیروی کنید تا خداوند اراده کند که شما با او همگون شوید و خداگونه گردید.»

ضمناً برای جلوگیری از آفت شرک و تشبیه در خداگونه شدن، آیه زیر راه‌گشاست:

[ای پیامبر!] بگو این راهی است که من عرضه می‌کنم: دعوت به‌سوی خداوند می‌کنم، دعوتی با چشم باز [و نه کورکورانه]. من و هر فردی که دنباله‌روی من است چنین دعوتی می‌کند. و البته خداوند از هر چیزی که در ذهن و دل شماست منزّه و برتر است؛ و من از مشرکین نیستم. (یوسف: آیه ۱۰۸)

آیه محتملاً می‌گوید: انسان می‌تواند «آئینه تمام‌نمای خداوند» بشود ولی فرق زیادی است بین انسان رشید (رشدیافته) و خداوند سبحان؛ همانند فرق بین فردی که روبه‌روی آئینه است با تصویری که در آئینه است. حقیقت یکی بیشتر نیست و آن خداست؛ بقیه موجودات جلوه‌های او هستند و انسان‌ها می‌توانند جلوه تام خداوند باشند، به

شرطی که در عمل، از پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی کنند. و البته چون خداوند ذات لایتنهایی دارد، لذا خداگونه شدن انسان به‌معنای رسیدن انسان به مقام الوهیت نیست، بلکه به‌معنای نزدیک و نزدیک‌تر شدن او به مقام قرب الهی است؛ چنانچه در آیات معراج آمده است: ثُمَّ دُنِيَ فَتَدَلَّى، فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ او ادْنَى.

اما اتفاقی که برای آدم و همچنین حوّا رخ داد این بود که نسبت به نهی خداوند از نزدیک شدن به شجره ممنوعه، بی‌اعتنایی کردند و لذا مقصد اصلی خود را که همانا خداگونه شدن بود گم کردند و به سطح پایین‌تری رضایت دادند: ... وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى (طه: آیه ۱۲۱)

و آدم، پروردگارش را نافرمانی کرد و لذا مقصد اصلی خود را نیز گم کرد!

بر این اساس به مرتبه جدیدی هبوط کرد:

* بی‌نوشت

۱. برای توضیحات بیشتر در مورد هبوط انسان، به تفسیرهای امام خمینی (ره) ذیل آیات مطرح شده در منبع زیر مراجعه شود: تفسیر قرآن کریم؛ برگرفته از آثار امام خمینی (ره). مقدمه، تحقیق و تعلیق: سیدمحمدعلی ایازی؛ زیر نظر آیت‌الله محمدهادی معرفت، نشر عروج.

مرحله اول

میل به مُلک جاودانه

پس شیطان به سراغ آدم آمد و او را اینچنین وسوسه کرد: آیا می‌خواهی تو را به درخت جاودانگی و ملک فناپذیر، راهنمایی کنم؟ (طه: آیه ۱۲۰) اینچنین آدم، و به تبع او حوّا، فریب خورد و به جای خداگونه شدن، به رسیدن به مُلک جاودانه، رضایت داد! و سپس از این مرحله نیز هبوط کرد:

مرحله دوم

میل به عزتمندی آخرت

هر کس عزّت و سربلندی می‌خواهد بداند که: سربلندی یکسره از آن خداست. وجود پاکیزه به‌سوی او بالا می‌رود و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد و کسانی که با حيله و مکر، کارهای ناشایست مرتکب می‌شوند تا به عزّت دست یابند، عذابی سخت خواهند داشت و نیرنگشان بی‌ثمر خواهد بود. (فاطر: آیه ۱۰)

اما انسان در این مرحله نیز توقف نکرد و باز هم هبوط کرد، ولی این بار هبوط از یک مقصد آخرتی به مقصد آخرتی پایین‌تر!

مرحله سوم

میل به لذت آخرتی

آیا هر یک از آدمیان طمع دارد که در بهشت پر نعمت، درآورده شود؟! (معارج: آیه ۳۸)

این آیه نشان می‌دهد که همه آدمیان میل و شوق حضور در بهشت و بهره‌مندی از نعمت‌های آن را دارند. کما اینکه امیرالمومنین (علی (ع) در این باره فرموده‌اند: آلا و انی لم از کالجنه نام طالبها! هشیار باشید که من هرگز چیزی چون بهشت ندیده‌ام که مشتاقانش، اینچنین در خواب باشند!

مرحله چهارم

میل به عزتمندی در دنیا

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (نساء: آیه ۱۳۴)
الَّذِينَ يَتَخَذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئِنَّهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (نساء: آیه ۱۳۹)

مرحله پنجم (اسفل السافلین)

میل به لذت دنیایی

زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِصَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَآبِ (آل عمران: آیه ۱۴)
عشق و علاقه به خواستنی‌های گوناگون، از مسایل جنسی و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دام‌ها و کشتزار[ها] برای مردم آراسته شده‌است، لیکن اینها تماماً مایه تمتع و لذت و بهره‌مندی در زندگی دنیاست و [حال آنکه] فرجام نیکو نزد خداست (۱۴)

جمع‌بندی

جمع‌بندی مطلب اینکه انسان، از میل به خداگونه شدن، به تدریج هبوط (افت، تنزل) کرد و تا بدین جا رسید که تمام هم و غمش رسیدن به لذت‌های دنیوی و تمتع از امکانات و فرصت‌های دنیا شد، و ما و شاگردان ما نیز همگی اینچنین گشته‌ایم. در شماره بعد، ان‌شاءالله برخی ویژگی‌های دیگر انسان را بررسی خواهیم کرد.